

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه البيان

۱- بحث اعجاز و تحریف

۲- اوهام و پندارهایی غلط پیرامون اعجاز قرآن

۳- مصونیت قرآن از تحریف

۴- معجزات دیگر پیامبر اسلام

آدرس: تهران_ خیابان انقلاب_ خیابان قدس_ خیابان بزرگمهر_
پلاک ۸۵_ سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور

تلفن:

۰۲۱-۶۶۴۸۵۶۶۳

هرگونه کپی برداری از این جزوه شرعاً جایز نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- اعجاز در لغت :

واژه اعجاز در لغت به چند معنی آمده است:

۱. فوت و از دست رفتن چیزی؛ أعجزه الامر الفلانی

۲. احساس عجز و ناتوانی در دیگری؛ اعجزت زیدا

۳. به وجود آوردن عجز در دیگری

اعجاز در اصطلاح: کسی که ادعای داشتن منصبی الهی را دارد عملی را برای نشان دادن راستی گفتارش انجام می دهد که آن عمل به ظاهر خلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی است این عمل اعجاز نام دارد.

معجزه: انجام دادن چنین عملی را اعجاز و خود عمل انجام شده را معجزه می نامند.

شرایط معجزه:

۱. مقامی که شخص مدعی آن است باید با عقل، حکم شرع، نقل صحیح، قطعی از پیامبر(ص) و معصومین(ع) هماهنگ باشد. در غیر این صورت انجام هر عملی گواهی بر صدق گفتارش نخواهد بود و آن معجزه نامیده نمی شود. حتی اگر دیگران از انجام آن عاجز باشند. مثل اینکه شخصی ادعای خدایی یا ادعای نبوت کند که هر دو ادعا محال است.

۲. عمل خارق العاده خود دلیل بر کذب مدعا نگردد. مثل مسیلمه که در زمان پیامبر(ص) ادعای پیامبری نمود. به عنوان اعجاز آب دهان خود را در چاه ریخت و چاه خشک شد، دستش را بر سر کودکان بنی حنیفه کشید که همه کچل شدند.

۳. قابل تعلیم و تعلم نبودن معجزه یعنی به هیچ یک از علوم و فنون متکی نباشد و اگر کسی عملی انجام دهد که مستند به علوم فنون باشد دیگر معجزه نامیده نمی شود، اگر چه دیگران از انجام آن عاجز باشند. مثلا کارهایی که شعبده بازان و جادوگران انجام می دهند. و ابطال ادعای این اشخاص بر خداوند لازم نیست. چون دانشمندان از این اسرار آگاهند.

آنچه از نظر عقلی قبیح است، تصدیق دروغگو و فراهم ساختن گمراهی مردم توسط خداوند است اما به محض اطلاع برخی از خواص اشیا دیگر نیازی به اثبات نیست.

ضرورت معجزه:

خداوند تکالیف و وظایفی را برای بشر مقرر فرموده تا او به سعادت دنیا و آخرت دست یابد. در واقع براهین عقلی فطعی این امر را ثابت نموده اند. خالق هستی به تمام نیاز بشر اشراف کامل دارد. بنابراین اگر تکالیفی را مقرر نکند، ۱. یا به نیاز او آگاهی ندارد که نشان از عجز خداوند دارد و این امر علی الاطلاق محال و ممتنع است. ۲. یا آگاهی لازم وجود دارد اما نمی خواهد انسان به کمال دست یابد. و این چیزی نیست جز صفت بخل که این نیز محال و ممتنع می باشد و در نتیجه بر خداوند فرض است، برای تامین سعادت بشر احکام و تکالیف انسان ساز را از طریق مبلغانی از نوع بشر، به آگاهی مردم برساند.

پیامبری منست بزرگی است که اشخاص زیادی خواهان این منصب بوده و به دروغ آن را ادعا کرده اند. در این شرایط پیامبران واقعی با مدعیان دروغین مشتبه می شوند، پس باید راهی باشد تا شاهد حقانیت پیامبران الهی بوده و همچنین امکان سوء استفاده کذابان را از بین ببرد. بر این اساس شاهی باید باشد که با توجه به قوانین طبیعت، هیچ کس قادر به انجام دادن آن نبوده و بدون لطف پروردگار امکان پذیر نباشد. اینگونه اعمال خارق العاده که تنها پشتوانه و شاهد رسالت پیامبران هستند، معجزه نامیده می شود.

یک قانون کلی: معجزه خود دلیلی محکم بر صدق گفتار مدعی نبوت است.

خداوند هیچ گاه کسانی که دروغگو و کذاب هستند را تصدیق نمی کند در قرآن به این مطلب اشاره شده است. (و لو تقول علینا بعض الاقاول لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین) حاقه آیه های ۴۴، ۴۵، ۴۶

مشکل اشاعره: اشاعره معتقدند که عقل قادر به تشخیص حسن و قبح اشیا نیست به این ترتیب راه تشخیص نبوت حق از نبوت دروغین برویشان بسته می شود. می دانیم به حکم عقل محال است خداوند معجزه را به شخص دروغگو بدهد. اما اگر از عقل چنین تشخیصی گرفته شود هیچ گاه نمی تواند پیامبران حقیقی را از دروغین تشخیص دهد.

پاسخ فضل بن روز بهان:

گرچه اشاعره منکر حسن و قبح عقلی اند و کارهای قبیح را بر خداوند جایز می دانند، اما مشیت الهی به این شکل است که معجزه تنها در اختیار پیامبران حقیقی قرار می گیرد، پس راه تشخیص بر آنان بسته نیست.

جواب:

۱. این مشیتی که روزبهان می گوید از امور حسی نیست و تنها راه فهم آن عقل است و اگر عقل حسن و قبح اشیا را تشخیص ندهد راهی برای درک این مشیت وجود ندارد.

۲. اثبات این ادعا که خداوند معجزه را به دروغگویان نمی دهد لازمه اش این است که همه پیامبران گذشته را در ادعایشان صادق بدانیم و کسانی که با تردید به این مسئله می نگرند از هیچ راهی نمی -
توانند این امر را ثابت کنند، پس داشتن معجزه دلیلی بر صدق نبوت نیست.

۳. اگر عقل از درک حسن و قبح امور عاجز باشد بنابراین هیچ داوری به حسن قبح اشیا ندارد. با این حال چه مانعی دارد خداوند عادتش را تغییر دهد؟ در صورتی که به اعتقاد شما خداوند در مورد اعمالش مورد مواخذه قرار نمی گیرد. لایسال عما تفعل.

۴. عادت امری است که با تکرار بوجود می آید پس نیاز به زمان دارد چگونه نبوت نخستین پیامبر که قبل از ایجاد چنین عادتی بوده را با انکار حسن و قبح عقلی می توان اثبات کرد؟

بهترین معجزه آن است که مشابه عالی ترین فن آن دوران باشد:

معجزه امری است که بر خلاف قوانین طبیعت صورت می گیرد و همینطور شناختن آن به آسانی برای همه میسر نیست و تنها کسانی که در کارهای مشابه تخصص دارند قادر به تصدیق اعجاز و فرا انسانی بودن معجزات را دارند.

لذا حکمت خداوند اقتضا می کند معجزه ای به پیامبر اعطا کند که مشابه با فن و صنعت رایج همان زمان باشد، تا علما به واسطه آگاهی شان بتوانند حقیقت معجزه و تفاوت آن را با علم رایج تشخیص داده و مردم زودتر معجزه را تصدیق و به آن ایمان بیاورند. برای مثال معجزه حضرت موسی (ع) عصا و ید بیضا بود، چون زمان ایشان سحر و ساحری معمول بوده است. در زمان حضرت عیسی (ع) طب یونان رایج بود و پزشکان بیماری های سخت را درمان می نمودند و به مقتضای حکمت الهی معجزه ایشان اعمالی شبیه به طب، قرار داده شد. مثل زنده کردن مردگان، بینا نمودن نابینایان و... البته این اعمال از قدرت بشر خارج است و ارتباطی با طب ندارد.

در زمان رسول اکرم (ص) فن رایج فصاحت و بلاغت بوده و اعراب در شعر و ادب سرآمد دیگر ملل و اقوام بودند. بطوری که مسابقات بزرگی برای شعر و خطابه بر پا می کردند و داوران با دقت اظهار نظر می نمودند. به سراینده بهترین شعر احترام گذاشته می شد تا جایی که هفت قصیده قدیمی انتخاب و با آب طلا بر روی قباطی نوشته و به دیوار کعبه آویختند که به «معلقات سبعه» شهرت یافت. اوضاع در آن زمان چنان بود که حکمت الهی اقتضا می نمود معجزه به فصاحت و بلاغت اختصاص یابد، به شکلی که

هر عرب فصیح، منصف و غیرمعاندی در برابر فصاحت و بلاغت قرآن خود را عاجز و ناتوان بیند و به وحی بودن آن اعتراف کند. این حقیقت در حدیثی از ابن سکیت نقل شده کاملاً روشن است و امام رضا (ع) دقیقاً به تفضیل این مطلب را توضیح داده‌اند که معجزه انبیا با توجه به فن رایج همان زمان بوده است.

پیامبر اکرم (ص) معجزات دیگری غیر از قرآن کریم هم داشته‌اند، همانند شق القمر، حرف زدن اژدها با حضرت و تسبیح ریگ‌ها در دست وی، با این حال قرآن از تمامی معجزات مهم‌تر و شگفت‌آورتر است. چون به واسطه عدم اطلاع از روموز هستی، اعراب می‌توانستند به تمام معجزات به دید شک بنگرند و آنها را به علل و عوامل طبیعی و یا به سحر و جادوگری نسبت دهند. اما در فصاحت و بلاغت جای هیچ شبهه‌ای وجود نداشت، چون به خوبی از اسرار بلاغت آگاه بودند. همچنین موقتی بودن دیگر معجزات و به تاریخ پیوستن معجزات مسئله‌ای بود که امکان بهره‌برداری ابدی را از آنها می‌گرفت، در مقابل قرآن معجزه‌ای ابدی و جاویدان است.

قرآن معجزه الهی:

دعوت و فراخوانی جهان به اسلام رسالتی است که نبی مکرم اسلام (ص) به عهده داشتند، هدایتی که با استدلال و احتجاج به قرآن صورت گرفت. و همه را برای هماوردی با کتاب الهی به مبارزه طلبید. او اعلام نمود با همکاری و همیاری انس و جن و با کمک فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین افراد هم چنین امکانی میسر نخواهد شد. این تحدی با درخواست آوردن ۱۰ سوره آغاز شد و در مرحله بعد به ۱ سوره تنزل یافت. این تحدی تا امروز و تا آخرین لحظه جهان ادامه خواهد داشت. به نظر می‌رسد راحت‌ترین راه شکست نبی مکرم اسلام در همان ایام آوردن متنی همانند قرآن می‌بود. با وجود فصیحان و مدعیان سرسخت ادب چنین اتفاقی نیفتاد و برخی اعتراف به اعجاز قرآن داشتند و برخی از سر لجاجت و عناد راه شمشیر را برگزیدند. این دشمنی قوی‌ترین دلیل بر اعجاز قرآن می‌باشد، زیرا قدم در راه جنگ گذاشتن راه، راحت‌تر از آوردن یک سوره قلمداد کردند.

یک اشکال و پاسخ:

ممکن است شخصی مدعی شود که معارضه با قرآن در همان ایام صورت پذیرفته، اما پس از گذر زمان از میان رفته و به دست ما نرسیده است.

پاسخ: